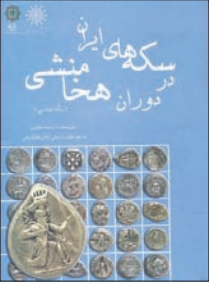


روزنامه‌های تاریخی → **بیژن تلیانی** →

■ **سکه‌های هخامنشی**

مجموعه کتاب‌های کوچک



امروز وقتی شما به یک سکه ۲۵۰ ریالی برمی‌خورید برای آن ارزشی قائل نیستید، می‌دانید چیزی با آن نمی‌توان خرید و جیب‌تان را با آن سنگین نمی‌کنید. اما همین سکه‌های بی‌ارزش وقتی جنبه تاریخی پیدا می‌کنند ارزشی فراوان می‌یابند.

همین سکه‌ها در نظر یک باستان‌شناس و تاریخ‌دان بهترین سند برای شناسایی وضعیت مردمانی است که قرن‌ها پیش زیسته‌اند و اکنون ما از آنها اطلاعی نداریم جز همین سکه‌ها. اما این سکه‌ها خود سند گویایی از مناسبات اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی زمان خودشان هستند.

اینکه در موزه‌ها بخش خاصی به سکه‌ها اختصاص می‌یابد به خاطر ارزش پژوهشی این شیء است که در زمان خودش شاید چندان ارزش مالی نداشته است.

نوع فلز سکه، نحوه ضرب آن، اشکال حک‌شده روی آن، اندازه و ظرافت کاری آن و... هر کدام بیانگر یک ویژگی از جامعه‌ای است که این سکه را تولید کرده‌است.

سکه‌های متعددی که مربوط به یک زمان با مکان‌های متفاوت است یا سکه‌هایی که از یک مکان در زمان‌های مختلف به دست می‌آید هر کدام بخشی از روابط و مناسبات بشری آن دوران را معنی می‌کند.

از این رو در بین رشته‌های تاریخ‌شناسی یا موزه‌داری، سکه‌شناسی خود امری تخصصی است و مطالعات فراوانی را اقتضا می‌کند. یکی از سکه‌شناسان معروف دنیا ارنست پابلون باستان‌شناس و موزه‌دار فرانسوی است که در سال ۱۸۵۴در آن کشور به دنیا آمد و ۷۰ سال زیست و بخش اعظم عمر خود را با سکه‌های موزه‌ها گذراند و خود موسس موزه سکه در کتابخانه ملی پاریس شد. وی حاصل مطالعات و تحقیقات خود را تدوین کرد و آثاری به ویژه درباره تمدن ایرانی از خود به جای گذاشت.

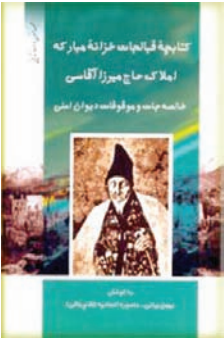
یکی از این آثار کتاب ارزشمند او درباره ایرانیان هخامنش و ساتراپ‌ها و خاندان‌های تابعه شاهنشاهی آنان است که اخیراً با نام «سکه‌های ایران در دوره هخامنشی» توسط ملکزاده‌بیانی و دکتر خانبایا بیانی ترجمه شده و نشر پارینه آن را منتشر کرده‌است.

او در این کتاب با استفاده از اسناد و کتیبه‌های یونانی و لاتینی و... با تکیه بر سکه‌های به دست‌آمده از دوران ایران باستان خواننده را به آن دوران می‌برد و با استدلال‌های علمی و مستند می‌کوشد تصویر واقعی از مناسبات اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی آن زمان ارائه دهد.

وی ضمن ارائه فهرستی از سکه‌های به دست‌آمده همراه با مشخصات کامل ظاهری هر سکه و شاه مربوطه که حدود ۲۰۰ صفحه از کتاب را شامل می‌شود، با تجزیه و تحلیل علائم سکه و مقایسه آنها با یکدیگر از اثر به موثر رسیده و مشخصات سازنده و صادرکننده این سکه‌ها را ارزیابی کرده است. همان طور که در کتاب آمده است سکه خود سندی مکتوب و کتابی کوچک و پرمحتواست. بنابراین باید گفت کتاب پابلون خود مجموعه‌ای است از این کتاب‌های کوچک که هر کدام مقطعی از زمان را توصیف می‌کنند.

■ **کتابچه قبایلجات خزانه مبارکه**

املاک حاج میرزا آغاسی



کتاب شامل سه کتابچه به این شرح است:
۱- کتابچه خلاصه و موقوفات و املاک انتقال دیوان که در ۱۲۵۹ قمری تهیه شده‌اند
۲- صورت املاک حاجی میرزا آغاسی
۳- کتابچه ثبت قبایلجات و نوشتجات موجود

در خزانه مبارکه اندرون و صندوقخانه مبارکه تهیه‌شده در سال ۱۲۹۰ قمری.

کتابچه اول در دوران سلطنت محمدشاه به دستور حاجی میرزا آغاسی در ۱۲۵۹ قمری تهیه شده است. بدون شک انگیزه اصلی تهیه آن اطلاع دقیق از شرایط موجود خالصه‌جات و موقوفات بود که مغشوش و به هم ریخته بود.

مطالب این کتابچه موبد این نکته است که اطلاعات با دقت بسیار جمع‌آوری شده است و جنبه‌های مفیدی را نیز ارائه می‌دهد. از جمله مقدار آب، زمین، دهات، مقدار محصول بر اساس محاسبه «زوج» و...
اطلاعات موجود از زمان غازان‌خان، دوران صفویه، نادرشاه و کریم‌خان زند آغاز شده سپس با اوایل سلطنت قاجار و دوران فتحعلی‌شاه تطبیق یافته است. از نکات مهم این کتابچه تقسیم‌بندی جغرافیایی کشور است.

افزون بر آن کتاب حاضر شامل خالصه‌جات و املاکی است که تحت اداره مستقیم سلاطین بود و جزء مایملک پادشاهان محسوب می‌شد. وسعت این اراضی به شیوه حکومت‌داری سلسله‌ها بازمی‌گشت که با ظهور و انقراض هر دودمانی افزایش یا کاهش می‌یافت.

این املاک به چند دسته تقسیم می‌شود: املاکی که در رقیات نادری ضبط و از طرف دیوان ثبت شده است. خالصه‌جات محمدشاه و ناصرالدین‌شاهی، مشتمل بر املاکی بود که بابت مالیات معوقه یا به هر علتی ضبط می‌شد، املاک خریداری‌شده توسط دولت که مستقیماً توسط دیوان اداره نمی‌شد، خالصه‌جات و تیولی که صاحبان آن مکلف بودند عده‌ای سرباز در اختیار دولت قرار دهند. آخرین نوع این خالصه‌جات املاکی است که در تصرف کامل دیوان قرار می‌گرفت.

امروزه بسیاری از قراء نامبرده در کتابچه تغییر نام داده یا به کلی از بین رفته‌اند به خصوص در دوره ناصری دولت در موارد مختلفی به فروش خالصه‌جات پرداخت. بنابراین شرایط مالکیت و وضع املاک تغییر یافت. بعدها با اصلاحات ارضی، آثار قدیم به کلی از میان رفت.

→ **شما و تاریخ**

ما تاریخی کهن داریم و به درازای آن از رنج‌ها و گنج‌ها و بیشتری نسبت به سایر ملت‌ها برخوردار شده‌ایم.

گنجینه آثار باستانی ما سرمایه ملی غریبال تکرار و غریبال تولیدی است که در جای‌جای این سرزمین کهن به چشم می‌خورد، درحالی که چندان قدر آن ندانیم و از فرط وقور به چشم‌مان نیاید.

از سوی دیگر گذشته پرمجاری ما مشحون از تجربیاتی است که خود چراغی برای ساخت آینده است.

اما در این زمینه هم ما نیازمند تالش بیشتری هستیم. مرور گذشته‌ها و رنج‌هایی که پدران ما کشیدند بی‌تردید می‌تواند ما را در حل مشکلات جاری و آینده یاری رساند.

از این رو صفحه تاریخ گرچه مربوط به گذشته است اما بی‌مناسبت با امروز و فردا نیست.

ما در سطح ملی نیازمند بازنگری و بازبینی گذشته‌ای هستیم که بر پایه

آن باید بناهای تازه را بنیاد نهیم.
از این رو صفحه تاریخ به روی همه هموطنان گشوده است تا از تجارب و مطالعات و پژوهش‌های تاریخی شما بهره‌مند شود.
طبیعی است نسبت به گذشته نیز نظر گاه‌های متفاوت و گاه متضادی وجود داشته باشد و بی‌گمان در آن زمینه امکان گفت‌وگو و تبادل نظر بیشتر از سایر مسائل فراهم است.
مطالب خود را می‌توانید به این ای‌میل ارسال کنید:
saffhetarikh@gmail.com
منظر نظرات و انتقادات و آثار مستند شما هستیم.

۱۲ تاریخ



چین در دوره سونگ‌ها

در سال ۹۶۰ میلادی «چائو کوانگ یین» سلسله «سونگ» را ایجاد کرد. این پادشاه معاصر علی عمادالدوله دلمی در ایران است. در این دوره «جورچن‌ها» که از تیره مغولی بودند مزاحم دولت سسونگ بودند. مهاجمان جدید توانستند شهر پکن را تسخیر کنند لذا سونگ‌ها مجبور شدند پایتخت خود را به شهر «هانگ چو» انتقال دهند. عصر سونگ را می‌توان دوره شکوفایی نقاشی چین دانست. پس از هجوم مغولان و سلطنت «قوبیلای‌خان» نوه چنگیز، سلسله «یوان» در شهر پکن مستقر شد. قوبیلای‌خان با قتل آخرین امپراتور سونگ در ۱۲۷۹ فرمانروای مطلق چین شد. در ۱۲۸۱ نیروی دریایی قوبیلای‌خان قصد حمله به ژاپن را داشتند که دچار توفانی سخت شدند و همه آنها به قعر دریا رفتند. آن شکست را ژاپنی‌ها در اثر «کامیکازه» که به معنی توفان الهی است، دانستند. در آن زمان غازان‌خان مغول فرمانروای ایران بود به این معنی که از پکن تا مراغه تحت نفوذ مغولان بود و روابط چین و ایران بسیار حسنه بود و مهاجرت تجار ایرانی به چین باعث ورود مسلمانان به منطقه «سین کیانگ» در شرق چین شد و متعاقب آن قوم مسلمان اویغورهای ترک‌نژاد که شعبه‌ای از غزها بودند وارد این منطقه شدند و اسلام را در این بخش از چین ترویج دادند. رابطه اروپا به ویژه ونیزی‌ها با چین گسترش یافت که «مارکوپولو» به دربار خان مغول در پکن رفت و در بازگشت طی سفرنامه‌ای عجایب این سرزمین را برای جهانیان آشکار ساخت.

امپراتوری خاندان مینگ

در ۱۳۶۸ میلادی یک راهب بودایی به نام «چو یوان چانگ» رهبری یک شورش علیه مغولان سلسله «یوان» را بر عهده گرفت و پس از شکست دادن مغولان در شهر «نانکینگ» سلسله مینگ را تشکیل داد. در این زمان دیگر خبری از پسرعموهای مغولی خاندان «یوان» که همان ایلخانیان باشند در ایران نبود و شاه شجاع مظفری در فارس و سلطان احمد جلایری و سربداران در گوشه و کنار ایران حاکمیت داشتند. این سلسله ۲۹۶ سال دوام یافت. آخرین پادشاه سلسله مینگ در ۱۶۴۴ وقتی تونگوزهای ساکن منچوری پکن را اشغال کردند، با حلق آویز کردن خود به عمر خود و این سلسله پایان داد و سلسله منچو در چین حکومت را به دست گرفت.

در اواخر عمر سلسله مینگ بود که پرتغالی‌ها بنذر «کانتنون» را تصرف کرده و یک مرکز تجاری در آن ایجاد کردند و این کار مقدمه نفوذ استعمارگران در چین بود. حاکمیت خاندان منچو همزمان با قدرت گرفتن و قوام سلسله صفویه در ایران بود و تجارت بین دو کشور از رونقی‌خاص‌برخوربرد.

مچنین در این دوره بود که استعمارگران اروپایی به چین نفوذ کردند. پرتغالی‌ها قبلاً در ۱۵۵۷ ماکائو را نیز تصرف کرده بودند.

خاندان منچو آخرین سلسله پادشاهی

در چین

در ۱۶۴۴ خاندان مینگ به دست منچوها که «تونگوزنژاد» بوده و اهل منچوری بودند منقرض شدند و خاندان «منچو» زمام امور کلیه مناطق چین را به دست گرفت. در این دوره به سبب مداخلات خارجی‌ها دولت چین به ضعف گرایید. در ۱۸۴۱ سردار چینی به نام «لین تسوشو» به دستور امپراتوری «تاؤو کیوانگ» برای جلوگیری از ورود تیراک توسط انگلیسی‌ها از طریق «هنگ‌کنگ» با ارتش انگلیس نبرد کرد ولی شکست خورد و مجبور شد به عنوان غرامت جنگی علاوه بر پرداخت قیمت تیراک‌های مصادره‌شده توسط دولت چین بندر هنگ‌کنگ را به انگلستان واگذار کند. مداخله خارجی‌ان باعث ایجاد اراضیاتی مردم شد به طوری که زمان احداث خطوط آهن عده‌ای از مردم با توجه به این عقیده که میخ‌های ثابت‌کننده تراورس‌ها در زمین به پشت اژدهای نگهدارنده زمین آسیب رسانیده و باعث زلزله می‌شود تاسیسات راه‌آهن را خراب کردند. این عمل بهانه خوبی برای مداخله خارجی‌ها در امور چین شد. کشتار مردم چین باعث ایجاد یک نهضت ملی به نام «مشت‌زنان» (بوکسورها) شد.

■ شماره ۱۰۷۳ ■ سه‌شنبه ۶ مهر ۱۳۸۹

چین از باستان تا امروز – بخش دوم

انقلاب چین

جمعیت مشت‌زنان با ضربات خود می‌خواستند اروپاییان‌را ازچین‌فراری‌دهند.

به حدی نفرت از خارجیان زیاد شد که در ۱۹۰۰ میلادی در پکن اعضای این جمعیت به سفارتخانه‌های خارجی حمله برده و یک دیپلمات آلمانی را به قتل رسانیدند. در داخل دربار چین ملکه (تزووشی) مخفیانه مشوق بوکسورها بود. بعد از کشته شدن دیپلمات آلمانی یک نیروی بین‌المللی مرکب از ارتش‌های اروپایی به فرماندهی «مارشال والدرسی» آلمانی به پکن حمله و دولت چین را مجبور به پرداخت غرامتی به مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار کردند.

در این حال روشنفکران چین به رهبری دکتر «سون یاتسن» پزشک تحصیلکرده دانشگاه «هونولولو» انجمن بیداری چین را که به زبان چینی «چینگ- چوئگ- هوی» است تاسیس کرد و از بین اعضای این انجمن «حزب جمعیت ملی» (کومینگ تانگ) را تاسیس کرد. فعالیت طرفداران این حزب باعث شد قیام‌های پراکنده بر ضد خاندان منچو صورت گیرد و به کمک «یوان – شی – کای» که یکی از درباریان بود در ۱۲ فوریه ۱۹۱۲ با خلع «پوئی» پادشاهی که طفلی خردسال بود رژیم جمهوری اعلام شد.

چین از آغاز جمهوریت تا پایان انقلاب فرهنگی مانو

در ۱۲ فوریه ۱۹۱۲ حکومت ۲۶۷ ساله خاندان منچو بر چین که خود وارث یک امپراتوری چندهزارساله بود به پایان رسید و حکومت جمهوری شد و دکتر «سون- یات- سن» به ریاست موقت رسید. در ۱۹۱۳ ژنرال «یوان- شی- کای» طی انتخابات ریاست‌جمهوری، به ریاست‌جمهوری رسید. در این حال اختلاف بین طرفداران سون- یات- سن و «یوان- شی- کای» بالا گرفت و یکی از ژنرال‌های ارتش چین به نام «چیان- کای- شک» از دکتر سون- یات- سن پشتیبانی کرد. در طول جنگ جهانی اول به ویژه از ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ نییمی از خاک چین تحت اشغال ژاپنی‌ها درآمد که در آن زمان با انگلیس متحد بود و نیم دیگر تحت سلطه یوان- شی- کای بود که در کانتون برای خود مرکز حکومتی تشکیل داده بود. در کنفرانس ورسای متفقین برای منافع ملت چین قدمی برنداشتند. در جریان اختلافات داخلی در چین بین طرفداران سون- یات- سن و یوان- شی- کای، جناح چپ کومین‌تانگ به رهبری مانو حزب کمونیست را تشکیل داد.

در سال ۱۹۱۶ «یوان- شی- کای» که مدعی سلطنت شده بود درگذشت و طرفداران سون- یات- سن در منطقه کانتنون با حمایت ژنرال چیان -کای- شک او را به ریاست‌جمهوری چین برگزیدند. در سال ۱۹۲۰ که حزب کمونیست به رهبری «مائو تسه تونگ» ایجاد شده بود با جنبه طرفداران سون- یات- سن اتحادی ایجاد کردند.

ولی مرگ دکتر «سون- یات- سن» در سال ۱۹۲۵ که در واقع کنفسیون قرن بیستم چین محسوب می‌شد و خواهان همزیستی با ژاپن بود همه چیز را درهم ریخت. طرفداران سون- یات- سن به رهبری ژنرال چیان- کای- شک بیشتر نواحی چین را از دست گردنکشان و خودکامگان درآوردند به استثنای تبت و ترکستان شرقی و مغولستان را که در دست دولت مرکزی نبود. در سال ۱۹۲۷ ائتلاف دو حزب کمونیست و کومین‌تانگ با تیرباران شدن عده‌ای از کمونیست‌ها در شانگهای به پایان رسید در حالی که پیش از این تاریخ هر دو دسته از اصول سه‌گانه سون- یات- سن که عبارت بود از وطن‌پرستی، معاش و آزادی پیروی می‌کردند. بعد از جدایی این دو حزب، کمونیست‌های چینی در سراسر کشور تحت تعقیب قرار گرفتند و تا سال ۱۹۲۸ اکثر افراد حزب کمونیست چین توسط ملیون طرفدار ژنرال چیان- کای- شک کشته شدند

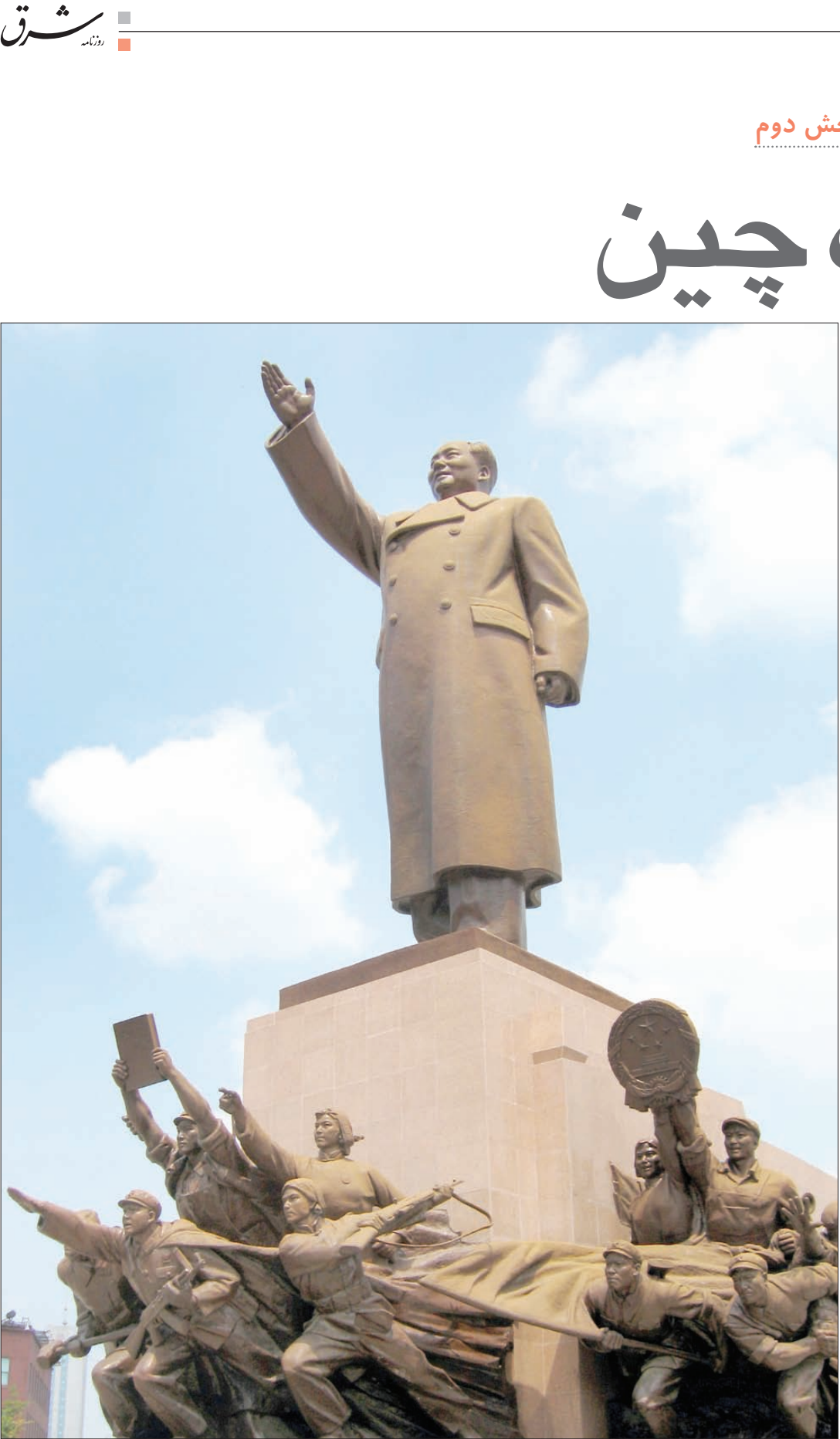


و بقیه نیز به فعالیت مخفیانه پرداختند. در سال ۱۹۳۰ ارتش سرخ چین به رهبری مانو سازمان داده شد و کسانی چون «چوئن لای»، «لیو شائوچی»، «لین پیائو»، «چوته» و «دنگ شیائو پنگ» با او همکاری داشتند. در سال ۱۹۳۱ حمله ژاپن به منچوری و اشغال بخش مهمی از خاک چین به نفع «مائو تسه‌تونگ» تمام شد زیرا مانو اعلام کرد که ما باید با یک دشمن داخلی یعنی ژنرال چیان- کای- شک که خود را رئیس‌جمهور قانونی و جانشین سون – یات- سن می‌داند بجنگیم که دشمن کشاورزان و زحمتکشان است و یک دشمن خارجی چون ژاپن که مملکت ما را اشغال کرده‌است.

راهپیمایی بزرگ در چین و پیروزی کمونیست‌ها

مانو در سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۵ در دو جبهه جنگید؛ اول با ارتش چیان- کای- شک که برای حفظ ارتش چریکی خویش مجبور به راهپیمایی شد. بعد از آنکه سران کمونیست چین، رهبری مانو را در اوایل ۱۹۳۵ پذیرفتند، ارتش دهقانی مانو برای حفظ نفرات خود از مقابل ارتش تا ندانن مسلح ژنرال چیان- کای- شک عقب‌نشینی کرد زیرا ارتش ژنرال چیان – کای- شک، به استعداد ۹۰۰هزار نفر در ایالت کیانگ

سی درصدد قلع و قمع ارتش تحت فرماندهی مائو بود. لذا راهپیمایی بزرگ از ۲۰اکتبر ۱۹۳۵ با نفراتی در حدود ۲۰۰ هزار نفر آغاز شد و نیروهای کمونیست به سمت شرق خاک تبت حرکت کردند. این نیروها با پای پیاده، در سخت‌ترین جاده‌ها، بلندترین کوه‌ها و بزرگ‌ترین رودها نظیر «یانگ تسه» و باتلاق‌ها و مرداب‌ها به قیمت از دست دادن ده‌ها هزار نفر و طی راهی به طول ۹۵۰۰ کیلومتر خود را به «شن سی» رساندند و پس از ۳۶۸ روز راهپیمایی ارتش خلقی خویش را از خطر نابودی کلی به دست سربازان ژنرال چیان- کای- شک نجات دادند در حالی که به علت خستگی و مشکلات راه تلفات زیادی را متحمل شده بودند. اتفاق عجیبی که در یکی از نقاط گریزهای ارتش کمونیست مائو روی داد، آن بود که ژنرال چیان- کای- شک



در سال ۱۹۳۱ حمله ژاپن به منچوری و اشغال بخش مهمی از خاک چین به نفع «مائو تسه‌تونگ» تمام شد زیرا مانو اعلام کرد ما باید با یک دشمن داخلی یعنی ژنرال چیان- کای- شک که خود را رئیس‌جمهور قانونی و جانشین سون – یات- سن می‌داند بجنگیم که دشمن کشاورزان و زحمتکشان

است و یک دشمن خارجی چون ژاپن که مملکت ما را اشغال کرده است

و پست ریاست‌جمهوری را نیز مانو به دست گرفت ولی در آوریل ۱۹۵۹ «لیو شائو چی» به ریاست جمهوری رسید. چوئن لای تا هشتم ژانویه ۱۹۷۶ در پست نخست‌وزیری باقی ماند تا آنکه با مرض سرطان درگذشت. از آنجایی که چوئن لای در ژانویه ۱۹۷۶ درگذشت، «دنگ شیائو پنگ» به جانشینی نخست‌وزیر رسید. و در چنین وضعیتی نیرومندترین مرد سیاسی چین بود. ضمناً او کمیسر عالی در ارتش نیز بود. «دنگ شیائو پنگ» قبلاً در سال ۱۹۶۵ به علت شدت اشتغالات مانو، به سمت دبیر اول حزب کمونیست انتخاب شده بود و مانو عنوان مافوق دبیرکل که ترجمه چینی آن به فارسی «صدر مائو» است را به خود اختصاص داد که برگردان آن از چینی به انگلیسی «supreme» است. بعد از مرگ چوئن لای، مائو نیز در ۹ سپتامبر ۱۹۷۶ فوت کرد. بعد از مرگ مانو قدرت دبیران کل را زمانی که دنگ شیائو پنگ زنده بود، تحت تاثیر شخصیت او بود و کسانی مانند «هوا گونگفنگ» که بعد از مرگ مانو رهبری او شدند، قدرتی مانند او نداشتند. بعد از هوا گونگفنگ، «هاؤو یوانانگ»، «ژائو زیانگ» و «جیانگ زمین» به رهبری حزب رسیدند. اکنون «هو جین تائو» ضمن آنکه رئیس‌جمهور است، دبیر اول حزب کمونیست نیز هست و نخست‌وزیر «ون جیا پائو» است. در حال حاضر «هو جین تائو» که در سال ۲۰۰۲ به مقام دبیر کلی حزب کمونیست چین برگزیده شد، فرمانده کمیسون نظامی کل نیروهای مسلح جمهوری خلق چین است. او در ماه مارس ۲۰۰۳ به جانشینی جیانگ

زمین در زمینه امور ارتش منصوب شد. به این معنی که فرماندهی کمیسیون نظامی حزب کمونیست چین را از جانب کنگره خلق بر عهده گرفته‌اند. در تاریخ رهبری چین سه نفر قدرت مافوق بوده‌اند: ۱- مائو ۲- دنگ شیائو پنگ ۳- هو جین تائو و کسانی صاحب این قدرت هستند که فرماندهی کمیسیون نظامی و دبیرکلی حزب ریاست جمهوری را بر عهده داشته باشند یا اقلاً در پست نخست‌وزیری یا جانشین نخست وزیر عضو کمیسیون نظامی و دبیر اول حزب باشند.

استقرار دولت کمونیست در چین و

سیستم حاکمیت در این کشور

بعد از استقرار نظام کمونیستی در چین مانو به عنوان دبیر اول حزب کمونیست چین انتخاب شد و «چوئن لای» نخست‌وزیر شد